



نقش صوفیه در گسترش تشیع در شیراز از آغاز تا ظهور صفویه

محمد دشتی - ^۱علی خورشیدفر^۲

تاریخ پذیرش ۱۳/۰۹/۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۲۹/۱۲/۱۴۰۲

چکیده:

صوفیه به‌عنوان گروهی با اوصاف و جاذبه‌هایی چون زهد و وارستگی و بعضاً دارای کشف کرامات و نیز معلومات دینی و اخلاقی قابل توجه از بعد نظری و فرهنگی جزو گروه‌های خاص جامعه محسوب می‌شوند. طبعاً سمت و سوی حرکت فکری و فرهنگی آنان می‌تواند یکی از شاخص‌های مهم وضعیت فکری و فرهنگی جامعه لحاظ شود. از سوی دیگر، در ناحیه شیراز در دوره اسلامی، دست کم از آغاز قرن سوم هجری ما شاهد حضور و فعالیت یک جریان تصوف شیعی و دست کم متشیع

هستیم که تقریباً همیشه فعال بوده است. براساس این تحقیق آنچه به‌دست می‌آید این است که، شاخه‌های متعددی از صوفیه هستند که علاوه بر خرقة، سلسله مشایخ خود را به یکی از ائمه اطهار (ع) رسانده‌اند و بعضاً با بیان کراماتی از امامان معصوم (علیهم‌السلام)، عشق و علاقه خود را به خاندان عترت ابراز کرده‌اند و در میان آنان چهره‌های برجسته‌ای به چشم می‌خورد که در خط فکری مردم اثرگذار بوده‌اند. هدف از این پژوهش، شناخت نقش صوفیه در گسترش تشیع در شیراز از آغاز تا ظهور صفویه است. این تحقیق به روش تاریخی (توصیفی-تحلیلی) انجام شده است و داده‌های تحقیق به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

کلیدواژه‌ها: شیعه، تشیع، صوفیه، شیراز

۱- طلبه سطح ۴ حوزه علمیه قم.

۲- استادیار مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره).



The role of Sufism in the expansion of Shiism in Shiraz from the beginning to the rise of Safavid

Abstract:

As a group with attributes and attractions such as asceticism and piety, and sometimes possessing the discovery of virtues as well as significant religious and moral information, they are considered as a special group of the society. Naturally, the direction of their intellectual and cultural movement can be considered as one of the important indicators of the intellectual and cultural state of the society. On the other hand, in the Shiraz area during the Islamic period, at least since the beginning of the third century of the Hijri, we have witnessed the presence and activity of a Shiite Sufism and at least a Shia Sufism, which has been active almost all the time. Based on this research, what is obtained is that there are many branches of Sufis who, in addition to the cloak, have traced their line of elders to one of the Imams of Athar. And sometimes they have expressed their love and affection for the Atrat family by expressing the virtues of the infallible imams (peace be upon them), and among them there are prominent figures who have had an impact on people's thinking. The purpose of this research is to know the role of Sufiya in the expansion of Shiism in Shiraz from the beginning to the rise of Safavid.

Keywords: Shia, Shiism, Sufi, Shiraz

مقدمه

لشکریان خلفای نخستین، منطقه فارس و از جمله شیراز را فتح کردند و در نتیجه، مردم این سرزمین در آغاز ورود اسلام، با نگرش خلفا (دیدگاه اهل سنت) با اسلام آشنا شدند و طبعاً آنان با مذهب تسنن مسلمان گشتند (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۱۱۷). ولی به مرور زمان، به مذهب تشیع به ویژه تشیع دوازده امامی گرویده‌اند. از این رو مسئله اساسی پژوهش این است که مذهب تشیع توسط چه عواملی در شیراز گسترش یافته است؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت؛ عوامل متعددی در گسترش تشیع در ناحیه شیراز ایفای نقش کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان به نقش «صحابه و تابعین»، «علماء»، «علویان و ائمه علیهم‌السلام»، «صوفیان شیعه یا متشیع» اشاره کرد. بررسی مجموعه این متغیرها فرصت و مجال بسیاری می‌طلبد که از ظرفیت این مقاله خارج است. آنچه در این فرصت و طی این مقاله و باروش تاریخی (توصیفی-تحلیلی) مورد بررسی قرار می‌گیرد، نقش صوفیه در گسترش مذهب تشیع در این سرزمین است.

تعریف مفاهیم

در رابطه با مفاهیم و کلیدواژه‌های این پژوهش باید گفت، منظور از «تصوف»، یک روش رفتارگرایانه برای صوفی است که اصل آن ریاضت و آراستگی به نیکی‌هاست تا نفس تزکیه شود و روح تعالی یابد. چنان‌که انیس در «المعجم الوسیط» معتقد است: «التصوف: طریقه سلوکیه، قوامها لتقشف و التحلی بالفضائل، لتزکوا النفس و تسمو الروح؛ تصوف: طریقه‌ای است مبتنی بر آداب سلوک، برای تزکیه نفس و ترک دنیا برای رسیدن به خدا و رسیدن به کمال.» (انیس، ۱۳۷۸: ۵۲۹).

واژه «شیعه» از نظر لغوی و صرفی اسم است که از ماده «شیع» مشتق می‌شود که با لفظ واحد بر مفرد و تثنیه و جمع و مذکر و مونث اطلاق می‌شود و به معنی «پیرو» و «گروه پیروان» است (فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۶۷).

اما در اصطلاح، «شیعه» به کسانی گفته می‌شود که به رهبری و امامت حضرت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و فرزندان وی پس از رحلت پیامبر صلوات‌الله‌علیه (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ۵۱۹)، براساس نص خفی یا جلی پیامبر (ص) بر امامت و خلافت ایشان (طریحی، ۱۴۰۸: ۶۳).

معتقدند شیعه به این معنی، شامل همه فرق شیعه از جمله امامیه (اثنی عشریه)، اسماعیلیه و زیدیه می‌شود. طبعاً «تشیع» به‌عنوان مصدر باب تفاعل، در کاربرد اصطلاحی آن، به معنی پایبندی و اعتقاد به اندیشه شیعه است (طریحی، ۱۴۰۸: ۵۷۳). آنچه در این پژوهش از اصطلاح «شیعه» و به تبع آن از واژه «تشیع» مورد نظر است، همین معنی عام آن است.

درباره «شیراز»، زرکوب در شیراز نامه از اصحاب تواریخ نقل می‌کند که شهر شیراز، قدیم‌الایام قطعه‌ای زمین بایر و ناهموار بوده است که پادشاهان و شهریاران ایرانی هر سال به این زمین رفت و آمد می‌کردند و می‌گفتند که در زمان پادشاهی جمشید در این زمین صومعه‌ای بوده است، لذا آن را برای خود فال نیک می‌پنداشتند. در آن زمان اگر نام مرکز حکومتی در فارس برده می‌شده مراد و منظور اصطخر بوده است. تا زمان خلافت محمد بن یوسف که به او الهام شده بود باید در این زمین شهری بنا کرد (زرکوب، ۱۳۹۰: ۵۹).

اصحاب تواریخ آورده‌اند که در زمان خلافت عبدالملک مروان، حجاج بن یوسف وزیر او بود. وقتی به حکومت رسید، برادر خود محمد بن یوسف را به فارس فرستاد و شهر شیراز را بنا کرد. در آن زمان هزار گام شیراز در طول و عرض از اصفهان بزرگ‌تر بوده است (زرکوب، ۱۳۹۰: ۶۷).

برخی منابع جغرافیایی پیشینه شیراز را به پیش از کیانیان رسانده‌اند؛ حمدالله مستوفی پس از شرح طول و عرض شیراز در مورد زمان احداث آن با بیانی اسطوره‌ای چنین می‌نویسد: «به روایتی شیراز بن طهمورث ساخته بود و خراب شده و به قولی در زمان سابق بر آن زمین، شهری فارس نام بوده است و به فارس بن ماسور بن سام بن نوح منسوب است». بدین ترتیب، مستوفی قدمت شیراز را به عصر پیشدادیان، یعنی قبل از کیانیان می‌رساند.

از بررسی شواهد و مدارک چنین برمی‌آید که بی‌تردید قبل از آمدن مسلمین به خطه فارس در جلگه شیراز و به احتمال زیاد در اطراف قصر ابونصر و بزم‌دلک، نه شهر، ولی لااقل دهکده یا دهکده‌هایی مسکون از زرتشتیان وجود داشته است.

گزارش بلاذری در فتوح البلدان نیز مؤید تحلیل فوق

فرقه‌ای است که از اسرار الهی بهره‌مند است و به امامان معصوم ایمان ظاهری و باطنی دارد. به عقیده وی امامان منبع علوم و معدن اسرارند و صوفیه نیز سر ولایت را از امامان دریافت کرده‌اند.» (آملی، ۱۴۲۶: ۴۱). لذا شایسته است نقش این گروه در توجه دادن مردم به ائمه اطهار (ع) و گسترش تشیع توسط آنان در این سرزمین مورد بررسی قرار گیرد.

آثار برجای مانده از صوفیه شیراز، حاکی از آن است که طریقت‌های صوفی فعال در این ناحیه دارای مذاق‌های مختلفی بودند که می‌توان آنان را از نظر مذهبی به دو بخش: صوفیان شیعه یا متمایل به تشیع و صوفیان سنی تقسیم کرد. آنچه در ارتباط با مسئله این پژوهش، مورد نظر است، صوفیان شیعه یا متشیع هستند که طبعاً، گرایش مذهبی این قشر به عنوان قشری مهم، طی فرایند تعامل و کنش متقابل با مردم در سمت و سو بخشیدن به اندیشه مردم شیراز کم و بیش مؤثر بوده است. همان‌طور که قرار گرفتن مرقد برخی از بزرگان صوفیه در جوار حرم آل رسول (ع) در شیراز شاهد این مطلب است (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۶۵).

در واقع، رهبران و اقطاب این بخش از طریقت‌های صوفی شیراز، هم بخشی از افراد جامعه را تحت نفوذ و تربیت مستقیم خود داشتند و هم اینکه به‌طور کلی در فضای عمومی شهر منشأ الهام اندیشه تشیع بودند؛ چرا که نزد عموم اقشار مردم شیراز از حرمت و نفوذ معنوی برخوردار بودند.

با توجه به این مقدمه؛ چنان‌چه ناحیه شیراز در سده‌های نخست اسلامی را از منظر نقش صوفیه در گسترش تشیع در این سرزمین، مدنظر قرار دهیم، آن را قابل توجه خواهیم یافت. بنابراین؛ در باب اهمیت پرداختن به این بحث همین اندازه کافی است که با انجام این پژوهش، اصالت مذهب تشیع توسط گروهی به نام صوفیه روشن می‌شود که پاسخی است به مدعیان پیوند این مذهب با اندیشه‌های ایران باستان و مشخص شدن هویت تاریخی مردم شیراز به‌عنوان بخش مهمی از جامعه شیعه که صوفیه در ترویج مذهب تشیع در آن نقش داشته‌اند.

پیشینه تحقیق

با بررسی‌هایی که در مراکز معتبر ارائه مقالات و پایان‌نامه‌های دانشگاهی مثل مرکز منطقه‌ای

است. وی می‌نویسد: «در اواخر خلافت عمر رضی‌الله‌عنه، ابوموسی و عثمان بن ابی‌العاص به یاری یکدیگر به ازجان تاختند. اهل آن را در مقابل پرداخت جزیه و خراج زنه‌ار دادند و شهر را به صلح فتح کردند. شیراز را نیز که در سرزمین‌های اردشیرخرّه واقع است، فتح کردند و بر آن شرط شدند که هر کس که خواهد به جایی دیگر کوچ کند و هر کس که ماند ذمی شود و خراج گزارد و ایشان نیز کسی را نکشند و به بندگی نبرند (بلاذری، ۱۳۴۶: ۲۵۹).

مبانی نظری:

نگارنده در پی آن نیست تا مسئله این پژوهش را با التزام به چارچوب نظری خاصی مورد بررسی قرار دهد. ولی از آنجا که صوفیه به‌عنوان یک تفکر و جریان اثرگذار در جامعه و منتسب به امامان معصوم (ع) از جهت خرّقه، به‌ویژه مولای متقیان حضرت علی (ع)، مورد توجه مردم در طول تاریخ بوده است. به عبارتی؛ صوفیه از قدیم‌الایام سلاسل تصوف را با ائمه آل‌البیت علیهم‌السلام منسوب کرده‌اند و به تقریب به اجماع، سلاسل مورد اشعار را منحصر به چهار سلسله گردانیده‌اند. یکی منشعب از امیر علیه‌السلام به‌دست ولی‌التابعین کمیل بن زیاد نخعی و دیگر از زین‌العابدین علیه‌السلام و به‌دست سلطان ابراهیم ادهم و دو دیگر از صادق علیه‌السلام به‌دست سلطان بایزید بسطامی و واپسین از رضا علیه‌السلام به‌دست معروف کرخی (صاحبی، ۱۳۶۴: ۱۰۸).

شیبی در کتاب «الصله بین التصوف و التشیع» به نقل از حیدر آملی، مردم را به سه قسم تقسیم کرده است و صوفیه را طبقه اول، شیعه را طبقه دوم و عوام را طبقه سوم جامعه دانسته است و در تقسیم دیگر، شیعه را مؤمن عادی و صوفی را مؤمنی که مورد امتحان قرار گرفته، پنداشته است و قائل است به اینکه شیعه و صوفی دو اسم ولی حقیقت واحدند و آن اینکه هر دو شیعه محمدی و پیرو پیامبرند. (صلوات‌الله‌علیه) و سرشاخه‌های صوفیه آنچه دارند از ائمه (علیهم‌السلام) دارند (همان: ۱۰۸).

حیدر آملی نیز در کتاب «جامع‌الاسرار و منبع‌الانوار» درخصوص پیوند تشیع و تصوف چنین می‌گوید: «شیعیان حقیقی صواند و صوفیان حقیقی شیعیانند.» (آملی، ۱۴۲۶: ۳۶) و معتقد است: «تنها فرقه حقه صوفیه

رساله مورد بحث قرار دهیم، ورود چندانی نداشته‌اند. لذا به‌طور مستقل و کامل به این موضوع خواهیم پرداخت. رسول جعفریان در اثر دیگر خود به نام «اطلس شیعه» نیز به برخی ابعاد تاریخ تشیع در شیراز اشاره دارد؛ وی در این اثر به‌طور گذرا به نقش دولت‌های شیعه نظیر آل بویه و قره قویونلوها و آق قویونلوها در گسترش تشیع در قلمرو خود و از جمله در ناحیه شیراز پرداخته است. طبعاً در این اثر نیز به همه ابعاد تاریخ تشیع و از جمله نقش صوفیه در گسترش تشیع در شیراز پرداخته نشده است. طریقت‌های تصوف و نقش صوفیه در گسترش تشیع در شیراز:

الف: طریقت‌های تصوف در شیراز

در میان طریقت‌های تصوف و ارباب طریقت، شاخه‌های متعددی هستند که سلسله مشایخ خود را به یکی از ائمه معصومین (علیهم‌السلام) می‌رسانند که در ذیل با توجه به اسناد موجود، به چهره‌های برجسته صوفیه در شیراز که به نحوی اثرگذار در خط فکری مردم بوده‌اند، اشاره می‌کنیم:

۱- قطب‌الاولیاء ابو عبدالله محمد بن خفیف (متوفی ۵۳۷۱ق)

محمد بن خفیف؛ یکی از بزرگترین و مشهورترین عارفان و صوفیان قرن چهارم هجری است (حسینی فسائی، ۱۳۸۸: ۱۱۵۴). اجداد ابو عبدالله به تصریح مؤلف شیرازنامه دیلمی بودند، ولی خود او در شیراز تولد یافته و در این شهر رشد کرده و در ایام فرمانروائی عضدالدوله دیلمی به شهرت تمام رسیده است و مورد تکریم و احترام وی قرار گرفته است (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

ابن خفیف که مرقات ارفعیه در باب طبقات شافعیه، وی را مهتر قوم و شیخ‌المشایخ دانسته است، (جنید، ۱۳۶۴: ۸۳) در ایام جوانی دست از کسب و کار کشید و به راه تحصیل و تحقیق گام گذاشت و پس از سال‌ها تتبع و تفحص در روایات و احادیث نبوی و معارف اسلامی و بهره‌گیری از محضر پیران طریقت و فقها و صوفیان نامور به قله کمال رسید و به‌عنوان قطب و مراد اصحاب کشف و شهود درآمد و از جانب ایشان به «شیخ کبیر» و شیخ المشایخ ملقب شد (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

نقل شده از ابو جعفر حذاء که در شأن و مقام این صوفی بزرگ گفته است، تصوف از فارس با رفتن ابن خفیف

اطلاع‌رسانی علوم و فناوری شیراز و سایت‌های معتبر اینترنتی انجام دادم، به هیچ‌گونه مقاله و پایان‌نامه‌ای در این راستا برخورد نکردم.

در آثاری همانند «تاریخ شیراز» تألیف دکتر حسن خوب نظر (خوب نظر، ۱۳۸۰: ۳۱۳) به‌طور مختصر و پراکنده به عقائد مردم شیراز اشاره شده است؛ «تاریخ ادیان و مذاهب فارس» تألیف دکتر مصطفی ندیم، اشاراتی به شیعه در فارس دارد. (ندیم، ۱۳۸۲: ۶۵)، «تاریخ ایران» تألیف عباس اقبال آشتیانی با اشاره به حاکمیت دیالمه (آل بویه) بر فارس، همانند دکتر خوب نظر به‌طور گذرا، به عقاید مردم شیراز اشاره کرده است (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۴: ۳۷۵). رسول جعفریان در کتاب «از پیدایش اسلام تا ایران اسلامی» (جعفریان، ۱۳۸۷: ۱۵۹) و «از یورش مغولان تا زوال ترکمانان» (جعفریان، ۱۳۸۵: ۲۰۹). به‌طور پراکنده به تشیع و حاکمان شیعی و علمای شیعه که مؤثر در تشیع برخی حاکمان بوده‌اند، اشاره می‌کند و نیز در کتاب «تاریخ تشیع در ایران تا طلوع دولت صفوی» اشاراتی پیرامون تأثیرگذاری تشیع از عراق بر ایران، قیام عبدالله بن معاویه و تسلطش بر فارس و مهاجرت سادات به ایران و تشیع در دوره آل بویه دارد. (جعفریان، ۱۳۸۵: ۱۶۵). کتاب‌های «هزارمزار» (جنید، ۱۳۶۴: ۲۱۰)، «شیرازنامه» (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۹۸)، «آثار عجم» (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۶۲: ۴۴۹)، «تاریخ شیراز از آغاز تا ابتدای سلطنت کریم خان» (خوب نظر، ۱۳۸۰: ۳۰۷)، «شیعه در ایران» تألیف حسین علی یحیایی (یحیایی، ۱۳۸۲: ۱۴)، «جامع عتیق شیراز» (بهریزی، ۱۳۴۰: ۲۶)، «از طلوع طاهریان تا غروب خوارزمشاهیان» (جعفریان، ۱۳۸۸: ۵۶) و «از یورش مغولان تا زوال ترکمانان» (جعفریان، ۱۳۸۵: ۷۸) نیز اشاراتی کلی به گسترش تشیع در شیراز، به‌ویژه در دوران دیالمه و برخی ایلخانان مثل اولجایتو دارد. در این زمینه کتاب‌های «تاریخ آل بویه» فقیهی، «تاریخ مغول از چنگیز تا تیمور» آشتیانی، «تاریخ خلفا از رحلت پیامبر تا زوال امویان» رسول جعفریان، «تاریخ ایران اسلامی» رسول جعفریان، «دانشمندان فارس» آدمیت، «اماکن تاریخی مذهبی فارس» یزدانی، «تاریخ فارس» نصری، «ارزش میراث صوفیه» زرین‌کوب نیز مورد بررسی نگارنده قرار گرفته که پیرامون آنچه ما برآنیم تا در این



نیر آسمان وفا، ابومحمد جعفر حدّاء، صحبت شیخ جنید و اقران او یافته و با شیخ ابی عبدالله خفیف صحبتی قدیم و مصادقتی عظیم داشتی و اکثر اصحاب شیخ کبیر قدس الله سره برآند که شیخ کبیر قدس الله سره خرّقه تصوف از دست او پوشیده بود و اغلب مشایخ بر این طریق متفق اند» (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۳۷).

شجره خرّقه حدّاء با چند واسطه به مولای متقیان، حضرت علی (علیه السلام) می‌رسد (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۳۸).

۳- ابوبکر هبه الله بن الحسن مشهور به علاّف (قرن سوم ه.ق)

شیخ ابوبکر علاّف، از صوفیان به نام شیراز و از جمله معاصران شیخ کبیر ابوعبدالله خفیف بوده است. در باب عظمت این صوفی همین قدر کافی است که شیخ کبیر وصیت کرده بود که بعد از وفاتش، ابوبکر علاّف بر او نماز گذارد (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۵۷). لذا پس از فوت عبدالله بن خفیف، ابوبکر علاّف بر او نماز کرد و نقیب علویان، ابواسحق و امام مسجد عتیق یعنی ابوعلی نیز به نوبت بر ابن خفیف نماز گذاشتند (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۵۷).

زرکوب؛ در باب مزار ابوبکر علاّف چنین می‌نویسد: «قبر مبارکش، در درب اصطرخ قرار دارد و این زمان از فواضل عوارف، مؤسس مبانی المبرّات، الحاج قوام الدوله و الدین بر سر مرقد مبارکش قبه‌ای عالی برآورده و طاق و رواقی رفیع برکشیده، چنانچه امروز محط رحال آمال زمره طالبان است و طبقات سادات و مشایخ و ایّمه و علما و هنرمندان هر یکی علی حدّه در آن بقعه شریفه مدخلی پدید آمده و رسمی و جهتی معین فرموده و از جمله آثار و خیرات آن جناب در شهر شیراز یکی آن عمارت مبارک است (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۵۷).

۴- سلسله و طریقت روزبهانیه

سلطان العارفین ابومحمد روزبهان بن ابی نصر البقلی الفسوی (قرن پنجم ه.ق)

یکی از مشهورترین مشایخ و فضلالی شیراز در عهد اتابک سعد و فرزندش ابوبکر، ابومحمد روزبهان است. این صوفی و عارف وارسته که مقتدای بسیاری از علما و اهل طریقت بود، چون ستاره‌های فروزان در بین هم عصران و صاحبان نام‌آورش می‌درخشید (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۶۲). او طی حیات پرثمرش بیش از سی کتاب در معتقدات

خارج می‌شود: «سمعت علی بن ابی بویه قال: قال لی مؤمّل الحصاص: سمعت جعفر الحدّاء و قد نظر إلی ابی عبدالله بن خفیف و کان فی حدّه إرادته فقال: یدهب التصوف من فارس مع هذا الغلام» (ابن عساکر، ۵۷۱ق، ۴۱۷).

این صوفی بلندپایه که در محفل درس و تعلیم و ارشادش هزاران تن از اطراف و اکناف گرد می‌آمده‌اند، سه بار به حج رفت و در این مسافرت‌ها در بغداد به دیدار مشایخ شهیری توفیق یافت. چنانکه در بازگشت از سومین سفر حج در بغداد از دست ابومحمد رویم که قائم‌مقام شیخ جنید شده بود، خرّقه تصوف پوشید و در بصره با مؤسس و بانی فرقه اشاعره یعنی ابوالحسن اشعری به مباحثه پرداخت و سپس به شیراز بازگشت و در دهه سوم سال ۳۷۱ از دنیا رفت (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

در رابطه با شجره خرّقه شیخ کبیر ابوعبدالله محمد بن خفیف، زرکوب در شیراز نامه دو گزارش را بیان کرده است که از هر دو طریق، به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) منتهی می‌شود (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۳۸).

در سفرنامه ابن بطوطه به مزار این صوفی بلندمرتبه در فارس اشاره شده و اینکه چگونه مورد احترام مردم و حتی حاکمان قرار گرفته است: «و من المشاهد بها مشهد الامام القطب الولی ابی عبدالله بن خفیف المعروف عندهم بالشیخ و هو قدوة بلاد فارس کلها و مشهده معظم عندهم یاتون الیه بکره و عشیا فیتمسّحون به، و قد رأیت القاضي مجدالدین آتاه زائرا و استلمه، و تأتی الخاتون إلی هذا المسجد فی کل لیلة جمعة، و علیه زاویه و مدرسه و یجتمع به القضاء و الفقهاء» (ابن بطوطه، ۷۷۹ق: ۴۷).

۲- ابومحمد جعفر الحدّاء (متوفی ۵۳۴۱ق)

یکی از مشایخ بزرگی که به عهد فرمانروایی عمادالدوله و عضدالدوله در شیراز می‌زیست، ابومحمد جعفر الحدّاء است. ابومحمد از مردم شیراز بوده و در محله باغ‌نو آن شهر به کفش‌دوزی می‌پرداخته است (شرف‌الدین، ۳۴۷: ۴۱).

سلاطین مذکور او را از مفاخر زمان خود می‌دانسته و ابی‌عبدالله خفیف با او مرآوده‌ای سخت نزدیک داشته است (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۳۷). مؤلف شیرازنامه در این باره می‌نویسد: «شیر بیشه طریقت، چاپک‌سوار میدان حقیقت، شاهد منصفه قبول، شایسته خلوت‌خانه وصول

صوفیه، تفسیر و حدیث و فقه تألیف و تصنیف کرده که همه از اهمیت خاصی در نزد صاحبان دانش برخوردار بودند. (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۶۲) از جمله این کتابها می‌توان به کتب زیر اشاره کرد:

لطائف‌البیان فی تفسیر القرآن، عرایس البیان فی حقایق القرآن، مکنون الحدیث و کنایه که با توجه به‌عنوان آن می‌توان به اعتقادات مذهبی روزبهان پی برد. این کتاب «الموشح فی المذاهب الاربعه و ترجیح قول الشافعی بالدلیل» نام دارد (جنید، ۱۳۶۴: ۲۹۰). که این مسئله و علامات دیگر دال بر این است که روزبهان، پیرو مذهب شافعی بوده است. اما دلایلی نیز موجود است که روزبهان ارادت خاصی به امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) داشته است که اشاره خواهیم کرد. زادگاه روزبهان فسا و زمان تولدش در حدود سال ۵۵۲ بود، ولی او پس از آمدن به شیراز در سال ۵۶۱ تا آخر عمر در خانقاهش واقع در نزدیکی دروازه خدش (محل باغ نو) به ارشاد مریدان پرداخت. (کارل ارنست، ۱۳۸۲: ۱۷).

در کتاب مزارات شیراز نوشته است: «سلطان عرفا و برهان اولیاء و علماء و قدوة عشاق و اسوة ابدال، شیخ ابومحمد روزبهان در سال ۶۰۶ وفات یافت و در جنب رباط خود در قبرستان محله باغنو شیراز مدفون شد (فارسنامه ناصری، ۱۳۸۸: ۸۱).

روزبهان چه پیش و چه بعد از مرگ مورد احترام و تکریم عرفا و دانشمندان بوده و همه از او به نیکی یاد کرده‌اند (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۶۲). یکی از شخصیت‌های بزرگی که از او به تجلیل سخن گفته است، سعدی است. وی در قصیده‌ای که با مطلع: «خوشا سپیده دمی باشد آنکه بینم باز...» چنین سوگند می‌خورد:

به فکر و ذکر عبادت به روح شیخ کبیر

به حق روزبهان و به حق پنج نماز

(سعدی، ۱۳۸۵: ۹۳۹).

◀ روزبهان در حکایات اولیا نامه‌ای

مریدان روزبهان حکایاتی را نقل می‌کنند که به‌واسطه او، رؤیت‌ها یا رؤیاهایی برایشان حاصل شده و باعث حل مشکلات روحی و طریقتی آنها شده است بسیاری از مریدانش تحت نظارت و راهنمایی او مبادرت به عزلت‌گزینی و چله‌نشینی صوفیانه می‌کردند و کسانی که فرمان‌های روزبهان را نادیده می‌گرفتند، به‌شدت دچار

عقوبت می‌شدند، به‌ویژه اگر تجارب و مشاهدات باطنی خود را بدون اجازه شیخ برملا می‌کردند (کارل، ۱۳۸۲: ۱۷).

در حکایتی، روزبهان به‌واسطه پیامبر اکرم (ص) از خواب نیمروزی بیدار می‌شود، به‌منظور سلام و خوش آمدگویی به فقیه‌ی که به ملاقات او آمده بود. یا فقیهان و علمای مذهبی شاهد جلوه‌هایی از کرامات شیخ بودند از قبیل فراهم کردن آب برای جمعی تا فریضه وضو را به انجام رسانند و... (کارل، ۱۳۸۲: ۲۶۰).

رؤیت‌های روزبهان در باب ارادت وی به خاندان علی (علیه‌السلام) قابل توجه است که اتابکان متأخر سلغریدر شیراز نیز، در رواج و حمایت از تفکر مذکور در بین عامه مردم نقش به‌سزایی داشتند که این مسئله در میان فرزندان زادگان روزبهان نیز دیده می‌شود. چنانکه دو نبیره او، صدرالدین روزبهان سوم و عزالدین مسعود هر دو به سبب موعظه عمومی در آیین و مراسم شهادت امام حسین (ع) معروف بودند (کارل، ۱۳۸۲: ۲۶۷).

در کتاب کشف الاسرار روزبهان آمده است: «و نیز یک روز رؤیتی برایم حاصل شد که گویی بر فراز کوه شرق بودم، جماعتی از ملائکه را مشاهده کردم و دریایی که گویی از شرق تا غرب امتداد یافته بود. آنها به من گفتند: به این دریا داخل شو و تا مغرب در آن شنا کن. پس به دریا داخل شدم و در آن شنا کردم. پس دریا می‌بریدم تا هنگامی که به موضع خورشید در وقت عصر رسیدم، کوه‌های مشرق و مغرب را دیدم که بسان کوه‌ها و تپه‌های پست و ناچیزی به نظر می‌رسیدند. جماعتی از ملائکه را بر کوه‌های مغرب مشاهده کردم که به‌واسطه تابش نور خورشید می‌درخشیدند. پس فریاد برآوردند و مرا به‌سوی خود فرا خواندند و گفتند: ای فلان شنا کن و خوف مدار. پس هنگامی که به کوه رسیدم، آنان گفتند: کسی از این بحر عبور نکرده است مگر علی بن ابی‌طالب (کرم الله وجهه). و تو بعد از او چنین کردی (کارل، ۱۳۸۲: ۸۶).

در کتاب دیگر، از روزبهان به‌عنوان «تحفه اهل العرفان» یاد شده است: «در عالم مکاشفه دریای عظیم دیدم، خواستم تا در آن دریا سیاحت نمایم، تلاطم امواج آن دریا رها نمی‌کرد. شخصی را دیدم که در آن دریا سیاحت می‌نمود و دریا می‌برید. من بر اثر او و به برکت

رفتن او راه یافتیم و دریا می‌بریدم تا در این طریق به معنا سال‌ها برفتم. چون بر کنار ساحل رسیدم، امیرالمؤمنین علی کرم‌الله‌وجهه دیدم، در قدم مبارکش افتادم، مرا بناوخت و فرمود که روزبهان این دریا من بریدم و تو به برکت متابعت من بریدی. بشارت باد که نسل تو منقطع نخواهد بود، والله اعلم (کارل، ۱۳۸۲: ۲۶۸).

فرزندان ابومحمد روزبهان

از میان فرزندان روزبهان می‌توان به شیخ فخرالدین احمد فرزند کوچک روزبهان و صدرالدین بن احمد معروف به روزبهان ثانی و شرف‌الدین ابراهیم بن روزبهان ثانی که واعظی دانشمند بوده است و رسالاتی نیز تألیف کرده است و شیخ صدرالدین بن شرف‌الدین مشهور به روزبهان ثالث اشاره کرد که شیخ صدرالدین در روزهای مهم نظیر وفات پیغمبر (ص) و حسین بن علی و یا در مجالس ختم علما و سلاطین و قضات منبر می‌رفته و موعظه می‌کرده است که نشانگر این است که محبت و ارادت به خاندان ولایت علیهم‌السلام در میان فرزندان روزبهان برقرار بوده است (جنید، ۱۳۶۴: ۲۹۴).

لازم به ذکر است که غیر از خاندان روزبهان بقلی، دو خاندان دیگر یکی روزبهان باغ‌نوی و دیگری روزبهان فرید در شیراز زندگی می‌کردند. نخستین کسی که از خاندان اخیر در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم به شهرت رسید، شیخ روزبهان مشهور به فرید بوده است و در تفسیر و حدیث و معارف صوفیه دست داشته و در مسجد عتیق موعظه می‌کرده است (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۶۷).

۵. شیخ نجیب‌الدین علی بن بزغش (متوفی ۷۷۸ ه.ق)

یکی از علما و عرفای بزرگ شیراز در قرن هشتم، شیخ نجیب‌الدین است (جنید، ۱۳۶۴: ۳۷۶) پدر شیخ نجیب‌الدین از تجار بزرگ و مورد اعتماد بوده است و وقتی ازدواج کرد، شبی در عالم خواب امیرالمؤمنین علی (ع) را زیارت کرد و حضرت به او فرمودند به زودی صاحب فرزند صالحی خواهی شد و نام او نجیب است (جنید، ۱۳۶۴: ۳۷۶). زمانی که فرزندش به دنیا آمد، نامش را نجیب گذاشت. در حالاتش آمده است که فقرا را بسیار دوست می‌داشت و با صلحا نشست و برخاست می‌کرد. شبی در خواب دید که شیخی از بقعه شیخ کبیر

خارج شد و پشت سرش شش نفر بودند که همگی بر یک حالت بودند و دست او را گرفت و در دست یکی از آنها گذاشت و فرمود این امانتی است از خدای متعال و از خواب بیدار شد. زمانی که خواب را برای پدرش نقل کرد، پدر نیز این خواب را برای شیخ ابراهیم از صوفیان زمان نقل کرد و شیخ ابراهیم گفت یکی از آن شش نفر زنده است و باید او را پیدا کند. شیخ نجیب‌الدین به مکه سفر کرد و محضر شیخ شهاب‌الدین سهروردی را درک کرد و از دست او خرقه پوشید و به شیراز بازگشت و به ارشاد مسلمانان مشغول شد (جنید، ۱۳۶۴: ۲۷۵). نیز درباره شیخ شهاب‌الدین سهروردی باید گفت که او خرقه خود را با چند واسطه به امیرالمؤمنین (ع) می‌رساند (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۳۸).

ب: شعرای صوفی شیراز

۱: سعدی (قرن ششم ه.ق)

ابومحمد مصلح‌الدین بن عبدالله معروف و مشهور به سعدی و ملقب به شیخ اجل در سال ۵۸۵ یا ۶۰۶ ه. ق در شیراز متولد شد (خوب‌نظر، ۱۳۸۰: ۳۳۵) و در سنین کودکی پدرش درگذشت و از همان کودکی با عشق و علاقه به مکتب می‌رفت و مقدمات دانش را آموخت. در سال ۶۲۰ به علت اوضاع آشفته شیراز، وطن را ترک و برای تحصیل علم و دانش به مدرسه نظامیه بغداد رفت و از محضر بزرگانی همچون شهاب‌الدین عمر سهروردی بهره‌مند و عرفان را آموخت و پس از سفرهای فراوان و تحمل سختی‌ها و مشقت‌های فراوان در حدود ۶۵۵ ه. ق به شیراز بازگشته و در جوار خانقاه ابوعبدالله خفیف (شیخ کبیر) ساکن شد (جنید، ۱۳۶۴: ۴۷۷).

حاکم فارس در این زمان اتابک ابوبکر بن سعد زنگی بود (فسائی، ۱۳۸۸: ۱۱۷۰)؛ که به علت جلوگیری از هجوم مغولان به آنان خراج می‌داد. در این دوران، شیراز پناهگاه دانشمندان بوده است و با خیالی آسوده از دشمنان، به کسب علم مشغول بودند. بنا بر آنچه تاریخ‌گواهی می‌دهد، اگرچه اتابک ابوبکر حاکم بود اما ولیعهد یعنی سعد بن ابوبکر در بسیاری از کارها دخالت می‌کرد و به سعدی ارادت بسیار داشته است، سعدی نیز تخلص خود را از او گرفته (فسائی، ۱۳۸۸: ۱۱۷۰) و کتاب گلستان را بعد از اتمام بوستان به نام او نگاشته است و بوستان را نیز به نام اتابک ابوبکر نوشته است (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۴: ۱۱۵).

(۵۴۰).

جنید که به دوران سعدی نزدیک بوده است؛ در کتاب هزار مزار سعدی را این‌گونه توصیف می‌کند: «از افاضل صوفیه بود و در بقعه شیخ کبیر مجاور بود و حظی وافر از آداب داشت و مرتاض و مجاهد بود و با نفس خود در کارزار بود. بدرستی که حق تعالی ابواب معرفت از هدایت امور بر وی گشاده کرد و در احوال معرفت می‌گفت و وصف متصوفه در کلمات می‌کرد و بیشتر اشعار در رهگذار طریق که میرفت می‌گفت. چنان‌چه سخن او ظاهری دارد که عوام از آن حظ دارند و باطنی دارد که خداوندان عقل و فهم دریابند و کلمات ابیات او موزونست، به میزان طریقت و مکنون است. در وی اسرار حقیقت و مسافرت بلاد کرد و در اقالیم گشت و زیارت خانه خدای کرد، چند بار پیاده و در بتخانه‌ها درآمد و بتها را شکست و او را واقعه‌ها دست داد و صحبت شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی دریافت و با وی در کشتی نشست و دیدار بسیاری از اولیاء‌الله کرد و می‌گویند که سقائی می‌کرد در بیت‌المقدس و در بلاد شام نیز مدتی مدید ماند تا زمانی که خضر علیه السلام بدید و او را از زلال افضال بچشانید بعد از آن بشیراز مراجعت کرد و احوال او مستقیم بود... می‌گویند که امیر اصیل‌الدین از جهت شرع و تقویت امور چندان رعایت کلمات شیخ نمی‌کرد، تا شبی حضرت رسالت پناه صلی‌الله‌علیه‌وآله را در خواب دید و او را عتاب فرمود جهت انکار با شیخ، چون بیدار شد بیامد بنزد شیخ سعدی و اعتذار نمود و طلب حلالتی کرد (جنید، ۱۳۶۴: ۴۷۸).

در باب مذهب سعدی، با توجه به شرایط آن زمان باید گفت، سعدی از جمله صوفیانی است که اگرچه محبت خود را نسبت به خلفا بیان می‌کند و سنی مذهب است، اما عشق و ارادت خاصی نسبت به اهل بیت معصومین (ع) داشته است که آن را در اشعارش بیان می‌دارد و شاید به‌همین دلیل مردم شیعه مذهب ایران، در استفاده از اشعار سعدی، تعصب خاصی به مذهب او نداشته‌اند (ریچاردز، ۱۳۷۹: ۱۹۲).

سعدی در بوستان، ضمن مدح و ستایش نبی مکرم اسلام (ص)، چنین می‌گوید:

نخستین ابوبکر پیر مرید
عمر، پنجه بر پیچ دیو مرید

خردمند عثمان شب زنده‌دار

چهارم علی، شاه دلدل سوار

در همان قصیده، دعایی را به جانب پروردگار عرضه می‌دارد و اولاد فاطمه زهرا (س) را واسطه قرار می‌دهد:

خدایا به حق بنی فاطمه
که بر قول ایمان کنم خاتمه
اگر دعوتم رد کنی ور قبول
من و دست و دامان آل رسول
(سعدی)

یا در قصیده‌ای با توجه خاص به جایگاه خاندان رسول‌الله (ص) چنین می‌گوید:

چشم مرا تا به خواب دید جمالش
خواب نمی‌گیرد از خیال محمد
سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی
عشق محمد بس است و آل محمد
(سعدی)

۲: نسیمی شیرازی (قرن هشتم ه.ق)

از شعرای گمنام شیراز که اظهار محبت عجیبی در اشعار او به مولا علی (ع) دیده می‌شود، نسیمی شیرازی است. صاحب ریاض‌العارفین او را تربیت یافته فضل نسیمی از دانشمندان و شاعران قرن هشتم هجری می‌داند (هدایت، ۱۳۸۵: ۳۱۰) و فضل صاحب مذهب حروفیه نیز بوده است و پیروانش او را تا حد مهدی و قائم آل محمد (ص) بالا برده‌اند (اصلاح عربانی، ۱۳۷۴: ۲۷۷).

فسائی در فارسنامه درباره نسیمی شیرازی چنین آورده است: «نام شریفش سید عمادالدین، از سادات عالی درجات شیراز و از محققین زمان خود بود. گفته‌اند در سال ۸۴۰ و اند مانند حسین منصور پا بر دار شهادت گذاشته، شربت شهادت چشید، مرقد شریفش در خارج قریه زرقان حومه شیراز، زیارتگاه است.» (فسائی، ۱۳۸۸: ۱۱۸۰) این چند بیت از اوست:

در دایره وجود موجود علی است
اندر دو جهان مقصد و مقصود علی است
گر خانه اعتقاد ویران نشدی
من فاش بگفتمی که معبود علی است

۳: داعی شیرازی (قرن هشتم ه.ق)

نام شریفش سید نظام‌الدین محمود واعظ و لقب آن جناب و اجدادش «الداعی‌الی‌الله» بوده و از سادات



سلاسل تصوف را با ائمه آل‌البیت (ع) منسوب کرده‌اند و به تقریب به اجماع، سلاسل مورد اشعار را به چهار سلسله منتسب کرده‌اند. یکی منشعب از حضرت امیر(ع) به دست ولی‌التابعین کمیل بن زیاد نخعی و دیگر از زین‌العابدین (علیه‌السلام) به دست سلطان ابراهیم ادهم و دیگر از صادق (علیه‌السلام) به دست سلطان بایزید بسطامی و واپسین از رضا (علیه‌السلام) به دست معروف کرخی (صدوقی سها، ۱۳۸۵: ۳).

◀ حرمت صوفیه نزد مردم شیراز

تصوف یا عرفان در نزد مسلمانان، عبارت است از طریقه مخلوطی از فلسفه و مذهب که به عقیده پیروان آن راه وصول به حق، منحصر به آن است و این وصول به کمال و حق متوقف است بر سیر و تفکر و مشاهداتی که مودتی به وجد و حال و ذوق می‌شود و در نتیجه به نحو اسرارآمیزی انسان را به خدا متصل می‌سازد. پیروان این طریقه به صوفی و عارف و اهل کشف معروفند و خود را اهل حق می‌نامند (ندیم، ۱۳۸۲: ۷۴). در فارس تصوف بسیار زود رواج یافت. چنانکه می‌بینیم عرفای بزرگی چون ابن‌خفیف، ابواسحاق کازرونی و شیخ روزبهان از این منطقه بپاخاسته و شهرت جهانی یافتند و در نزد مردم منطقه نیز از جایگاه والایی برخوردار و شاگردان و مریدان فراوانی نیز تربیت کردند.

عطار نیشابوری در تذکره الاولیا راجع به مقام ابن‌خفیف و جایگاه وی نزد خاص و عام می‌نویسد: «ابن‌خفیف در علوم ظاهر و باطن مقتدا بود و رجوع اهل طریقت در آن وقت به وی بود. بینایی عظیم داشت و خاطری بزرگ و احترامی به غایت و فضایل او چندان است که برنتوان شمرد و ذکر او نتوان کرد.» (عطار نیشابوری، ۱۳۷۴: ۱۰۵).

ابن‌خفیف در عمر طولانی خود مسافرت‌های زیادی کرد و در طی این مسافرت‌ها با مشایخ بسیاری آشنا شد. (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۳۶) ابن‌خفیف با حکومت عضدالدوله دیلمی معاصر بود و عضدالدوله به وی ارادت زیادی داشت. (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۳۶) در منابع از اینکه سلطان با اعمال و فعالیت‌های شیخ مخالف باشد، هیچ سخنی به‌میان نیامده است. شیخ چه در زمان حیات و چه پس از آن شهرت زیادی داشت. در منابع به کرات از این که فلان امیر، سردار یا سلطان در ورود به شیراز به زیارت آرامگاه

حسینی شیراز است (فسائی، ۱۳۸۸: ۱۱۶۶). این شاعر به سال ۸۱۰ در شیراز متولد شد و در این شهر به کسب دانش پرداخت و از ابتدای جوانی مرید یکی از زمامداران طریقه نعمت‌اللهی موسوم به مرشدالدین ابواسحق بحرانی شد و به تشویق وی به قصد دیدار شاه نعمت‌الله ولی به کرمان مسافرت کرد و پس از گرفتن خرقه از دست او به شیراز بازگشت. این شاعر عارف و فاضل، طی حیات پرثمرش دیوانی از سروده‌های خود، به فارسی و عربی و لهجه محلی شیراز به کمک پسرش میرقاسم ترتیب داده است. این دیوان مشتمل بر غزل‌ها، قصاید، رباعی‌ها، مثنوی‌ها و غیره است که در همه آنها اندیشه عرفانی او موج می‌زند. غیر از این دیوان، داعی، نزدیک به ۳۵ رساله و کتاب در زمینه شرح عقاید صوفیانه و عارفانه به فارسی و عربی تألیف کرده که صاحب آثار عجم به اهم آنها اشاره کرده که کتاب‌های احوال خیرالبشر، رساله خیرالزاد و رساله ترجمه الاخبار العلویه، از آن جمله است (فسائی، ۱۳۸۸: ۱۱۶۶).

جایگاه شاه داعی به گونه‌ای است که مقبره وی بعد از وفات نیز مورد توجه ارادتمندان است. اعتمادالسلطنه درباره مزار ابن‌صوفی بزرگ می‌گوید: «وفات سید نظام‌الدین محمود ملقب به داعی‌الی‌الله شیرازی مشهور به شاه داعی در شیراز و مقبره شاعی داعی در شیراز الان برقرار و زیارتگاه اهل سلوک است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۶۴۵).

◀ ج: تأثیر گذاری و فعالیت های صوفیه هم سو با اندیشه تشیع در شیراز

اگر چه در طول تاریخ افرادی و بعضاً صوفی مذهب، مایه ننگ صوفیه واقعی بوده‌اند، آن‌طور که در کتاب صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست از میرفندرسکی نقل می‌کند که قلندران در جامعه همچون موهای زائد زیر بغل و شرمگاه هستند و آنان را از فرق صوفیه برشمرده است (جعفریان، ۱۳۷۹: ۷۷۳). اما در شیراز رفتار صوفیه به گونه دیگر است و آنان در نزد مردم از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند.

شاید بتوان ادعا کرد مهم‌ترین عامل توجه مردم منطقه فارس به ویژه شیراز، به عقائد صوفیه و تأثیر در گسترش تشیع از این طریق، نسبت سلسله‌های صوفیه با ائمه اطهار (علیهم‌السلام) است. چنانکه صوفیه از قدیم‌الایام

ابن خفیف رفته‌اند، یاد شده است (ندیم، ۱۳۸۲: ۸۲). ابن بطوطه که چهار قرن بعد از فوت شیخ از شیراز دیدار کرده، به محبوبیت مزار وی نزد مردم شیراز اشاره می‌کند و می‌نویسد: «مردم شیراز هر صبح و شام به زیارت بقعه‌ی شیخ می‌آیند و بزرگان نیز هر شب جمعه برای زیارت در خانقاه او جمع می‌شوند.» (ابن بطوطه، ۱۴۱۷ق: ۲۰۷) حمدالله مستوفی نیز در کتاب خود، تاریخ گزیده آورده که اتابک ابوبکر از اتابکان سلغری بر مزار شیخ کبیر وقف‌ها کرد (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۰۶).

چنانکه گذشت، از آنجا که عرفا و صوفیان در نزد مردم دارای وجهه و محبوبیت بودند، امرا و سلاطین نیز اکثراً با آنها به مدارا رفتار می‌کردند و حتی به احترام و وساطت ایشان، مستحق‌ی به حق خود رسیده یا مظلومی از بند ظلم رها شده است. همانند آنچه زرکوب درباره‌ی ارادت عضدالدوله به شیخ کبیر می‌نویسد: «عضدالدوله به غایت معتقد و مرید شیخ بودی و اکثر مهمات ارباب استحقاق از اثر تعلق و تربیت شیخ به حسن اسعاف و انجاح مقرون گشتی.» (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۳۶) و خواندمیر در مآثرالملوک آورده است: «نقل است که روزی عضدالدوله حاجب خود را گفت که: ادا سنج بک شیخ سیخ سبج تسبیح فی یده سبحة من خشب فاذن له بالدخول. یعنی هرگاه که بر تو سانج شود، پیر خمیده‌پشتی که تسبیحی از چوب در دست داشته باشد، او را رخصت ده که نزد ما آید. ظاهراً مراد از شیخ موصوف، شیخ کبیر شیرازی است» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۱۸).

و گاه این رفتار نیکوی سلاطین و اطرافیان آنها با صوفیه، خدمات متقابل نیز به همراه داشته است. چنانکه ابن بطوطه در توصیف توسعه حرم احمد بن موسی (ع) توسط تاشی خاتون، مادر شاه ابواسحاق اینجو، به ساخت زاویه (خانقاه یا محل عبادت) اشاره می‌کند (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۶۱) و یحیی صوفی جمالی که صوفی مشرب است، قرآنی که شاه شیخ اسحاق اینجو برای تاشی خاتون سفارش داده را به بهترین وجه مورد تهنیت و خوشنویسی کرده است (معتدی، ۱۳۸۷: ۲۹۱).

از جمله صوفیه و عرفایی که نزد مردم و سایر مشایخ صوفیه و سلاطین جایگاه ویژه‌ای داشته است، قطب‌المحققین، شیخ روزبهان بقلی است. زرکوب در این باره می‌نویسد: «مقتدای ارباب طریقت و پیشوای

اصحاب حقیقت بوده، در فنون علوم و انواع فضایل از مشایخ زمان و ائمه عهد قصب السبق ربوده... و از مشایخ عظام که شرف صحبت مبارک او یافته بودند، شیخ علی لالا و بهاء‌الدین یزدی و نجم‌الدین کبرا در خوارزم و عبدالقادر جلیلی در بغداد بوده و در آن عصر اتابک سعد بن زنگی و اتابک ابوبکر فرزند او به سلطنت و ایالت شیراز و فارس اختصاص داشتند و به معاشرت و مجاورت آن حضرت مستبشر و مفتخر بودند.» (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

ابراهیم پسر روزبهان ثانی نیز به ارادت اتابک ابوبکر سعدبن‌زنگی اشاره کرده و می‌گوید: «اتابک ابوبکر سعد بن زنگی مدعی بود که در کودکی به دست‌بوسی شیخ بقلی نائل آمده و سی سال پادشاهی خطه فارس از برکت دست او یافته است (ابراهیم بن روزبهان ثانی، ۱۳۸۲: ۵۳).

شهرت و مقبولیت اهل تصوف به‌ویژه بزرگان و مشایخ ایشان در بین مردم از سویی و عرض ارادت برخی حاکمان چه در زمان حیات ایشان و رفتن به زیارت قبور آنان، پس از مرگ و مرمت و بازسازی آرامگاه ایشان و سپردن برخی امور همچون کتابت قرآن تاشی خاتون به یک صوفی، تأثیر بسزایی در جلب توجه مردم به فرهنگ و اعتقادات صوفیه داشته، به عنوان افرادی که مفتخر بودند، خرقة را به یکی از امامان معصوم علیهم‌السلام رسانیده‌اند. بنابراین، صوفیه به‌عنوان قشری مقبول‌العامه و پرنفوذ که فضل اهل بیت (ع) و محبت به اهل بیت (ع) را ترویج می‌کردند، قطعاً در گسترش تشیع و مکتب اهل بیت در منطقه فارس و به‌خصوص شیراز نقش غیرقابل انکاری داشته‌اند.

◀ جریان صوفیه شیعه یا متشیع در شیراز

در بین طریقت‌های تصوف و ارباب طریقت، شاخه‌های متعددی هستند که سلسله مشایخ خود را به یکی از ائمه معصومین (ع) می‌رسانند؛ چنانکه زرکوب در شیرازنامه دو طریق برای شجره خرقة شیخ کبیر محمدبن خفیف نقل می‌کند که از هر دو طریق به حضرت علی (ع) منتسب می‌شود (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۳۷). همچنین بسیاری از بزرگان مشایخ صوفیه شیراز، شجره خرقة خود را به شهاب‌الدین عمر سهروردی می‌رسانند که ایشان نیز خرقة خود را به امیرالمؤمنین (ع) منتسب



می‌نماید (زرکوب، ۱۳۹۰: ۱۳۷).

دربارهٔ رؤیت‌های روزبهان بقلی که بدان اشاره کردیم؛ برخی تشرف ایشان را به محضر امیرالمؤمنین (ع) و محبت‌های آن حضرت را در عالم رؤیا، دلیل بر نوعی تشیع وی تفسیر کرده‌اند که در آن زمان، غالب ارادتمندان به اهل بیت معصومین (ع) این‌گونه عمل می‌کرده و به‌نحوی ارادت خود را ابراز می‌کرده‌اند. (کارل ارنست، ۱۳۸۲: ۹۵). حتی این عرض ارادت، در میان فرزندان روزبهان نیز دیده می‌شود و شیخ صدرالدین روزبهان، در روزهای مهم نظیر وفات پیغمبر (ص) و حسین بن علی (ع) و یا در مجالس ختم علما و سلاطین و قضاات منبر می‌رفته و موعظه می‌کرده است (جنید، ۱۳۶۴: ۲۹۷).

نتیجه‌گیری

صوفیه به‌عنوان گروهی با اوصاف و جاذبه‌هایی چون زهد و وارستگی و بعضاً دارای کشف کرامات و نیز معلومات دینی و اخلاقی قابل توجه از بعد نظری و فرهنگی جزو گروه‌های خاص جامعه محسوب می‌شوند. طبعاً سمت‌وسوی حرکت فکری و فرهنگی آنان می‌تواند یکی از شاخص‌های مهم وضعیت فکری و فرهنگی جامعه لحاظ شود. از سوی دیگر، در ناحیهٔ شیراز در دورهٔ اسلامی، دست کم از آغاز قرن سوم هجری، ما شاهد حضور و فعالیت یک جریان تصوف شیعی و دست‌کم متشیع هستیم که تقریباً همیشه فعال بوده است؛ گرچه صوفیه اهل تسنن کم نبوده، اما به طریقی حتی انتساب خرقة در موارد فراوانی به اهل بیت معصومین (علیه‌السلام) منتسب بوده است. طریقت‌های تصوف در شیراز قابل توجه بوده و عرفای مشهوری همچون ابن‌خفیف که مورد عنایت حاکمان بوده و شاگردان زیادی از بلاد مختلف از محضر او کسب فیض کرده‌اند، خرقة را به امیرالمؤمنین (ع) رسانده و تأثیر عظیمی در سوق دادن زمینه فکری آنان به سوی آن حضرت داشته است. شعرای صوفی، همچون سعدی و داعی شیرازی که از جمله سادات حسینی است، در اشعار خود به جایگاه و فضل ائمه اطهار (ع) اشاره کرده و در ترویج فرهنگ علوی تأثیر بسزایی داشته‌اند.

بنابراین، صوفیه چه شیعه و یا سنی به‌عنوان یکی از گروه‌های پرنفوذ در میان مردم مطرح بوده و به نظر

می‌رسد از دو جهت توانسته است بر فکر و اندیشه مردم و گسترش تشیع در شیراز مؤثر باشد:
اولاً: نفس حضور فیزیکی صوفیه در یک جامعه به‌عنوان بخشی از اعضای فعال آن جامعه، موجب ورود اندیشه و عقاید آنان در بین افراد جامعه می‌شود، چنانکه حضور صوفیه در منطقه فارس و به‌ویژه شیراز با فرهنگ و اندیشه خاص خود، مورد توجه حاکمان و مردم بوده است.

ثانیاً: رساندن خرقة توسط سلسله مشایخ به امامان معصوم (ع) و قرار گرفتن مزار ایشان در جوار حرم یکی از امامزادگان (ع) که طبعاً مزار ایشان نیز مورد توجه مردم قرار گرفته است.

پیشنهادها:

۱- با توجه به کمبود فرصت و ضیق مجال در حد یک مقاله، اینجانب نتوانستم متون و ادبیات صوفیه در منطقه فارس و شیراز را به‌طور گسترده مورد بررسی قرار دهم و مفاهیم مرتبط با شأن و مقام اهل بیت علیهم‌السلام را که قرابت زیادی با اندیشه تشیع دارد، استخراج و عرضه نمایم. لذا پیشنهاد می‌کنم در آینده به این بحث به‌طور مستقل پرداخته شود تا نقش صوفیه در گسترش تشیع بهتر عیان شود.

۲- من فرصت نکردم که به‌طور مستقل، شخصیت‌های صوفیه و گرایش آنان را به اهل بیت (ع) به‌طور جداگانه و مورد به‌مورد بررسی کنم و نقش هر یک از شخصیت‌های صوفیه را در حدی که شایسته و بایسته است، نشان دهم. لذا پیشنهاد دوم این است که نقش هر کدام از شخصیت‌های بزرگ صوفیه در ترویج اندیشه‌های شیعی یا متشیعانه به‌طور مشخص و متمایز تبیین شود.

۳- مسئله دیگر؛ روابط بزرگان صوفیه با علویان به‌عنوان جریان کم و بیش شیعی و متمایل این دو قشر با یکدیگر در منطقه فارس است. طبعاً در گسترش تشیع در این خطه اثرگذار بوده است و ذهن بنده را به خود مشغول داشته و فرصت پرداختن نشد که پیشنهاد می‌کنم، این مسئله نیز طی پژوهشی مستقل مورد بررسی قرار گیرد.

علاوه بر این؛ شکی نیست در گسترش تشیع در این خطه، عوامل دیگری نیز به‌ویژه دولت‌های شیعی، نقش قابل توجهی داشته‌اند که پیشنهاد می‌کنم: این عوامل

گسترش تشیع نیز به طور مستقل مورد بررسی و پژوهش قرار گیرند.

منابع

- ۱- آملی، حیدر بن علی (۱۴۲۶ق)، جامع الاسرار و منبع الانوار، به تصحیح هانری کوربن و عثمان اسماعیل یحیی، بیروت، موسسه تاریخ العربی.
- ۲- ابراهیم بن روزبهان ثانی (۱۳۸۲ش)، تحفه اهل العرفان، به تحقیق دکتر جواد نوربخش، تهران، یلدا قلم.
- ۳- ابن اثیر، مجدالدین مبارک بن محمد الجزری (۱۳۶۴ش)، النهایه فی غریب الحدیث، تحقیق طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، ج ۴، قم، اسماعیلیان.
- ۴- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۴۱۷ق)، رحله ابن بطوطه، تصحیح تازی عبدالهادی، ریاض، اکادمیه المملکه المغربیه.
- ۵- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۷۶ش)، سفرنامه، ترجمه محمد علی موحد، تهران، سپهر.
- ۶- ابن بلخی، به تحقیق منصور رستگار فسائی (۱۳۷۴ش)، شیراز، بنیاد فارس شناسی.
- ۷- ابن عساکر، علی بن حسن (۵۷۱ق)، تاریخ مدینه دمشق، به تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر.
- ۸- ابن منظور، ابی الفضل محمد بن مکرم افریقی مصری (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه.
- ۹- ارنست، کارل، روزبهان بقلی (۱۳۸۲)، تجربه عرفانی و شطح ولایت در تصوف ایرانی، ترجمه و تعلیقات کورس دیوسالار، تهران، امیرکبیر.
- ۱۰- اصلاح عربانی، ابراهیم، (۱۳۷۴)، کتاب گیلان، تهران، گروه پژوهشگران ایران، چاپ اول.
- ۱۱- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۳ق)، تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح رضوانی محمد اسماعیل، تهران، دنیای کتاب.
- ۱۲- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۴ش)، تاریخ مغول، تهران، امیرکبیر، چاپ هشتم.
- ۱۳- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۰)، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه، تهران، خیام، چاپ نهم.
- ۱۴- انیس، ابراهیم (۱۳۷۸)، المعجم الوسیط، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- ۱۵- بقلی، روزبهان (۱۳۴۴)، شرح شطحیات، به تصحیح و مقدمه فرانسوی از هنری کربین، تهران.
- ۱۶- بقلی، روزبهان (۱۹۷۳م)، مشرب الارواح و هو المشهور بهزار و یک مقام، استانبول، نظیف محرم خواجه.
- ۱۷- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۴۶)، فتوح البلدان، ترجمه: آذرتاش، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۸- بهروزی، علی نقی (۱۳۴۰)، جامع عتیق شیراز، تهران، کانون دانش پارس.
- ۱۹- جعفریان، رسول (۱۳۷۹)، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۲۰- جعفریان، رسول (۱۳۸۷)، از پیدایش اسلام تا ایران اسلامی، تهران، کانون اندیشه جوان، چاپ چهارم.
- ۲۱- جعفریان، رسول (۱۳۸۵)، از یورش مغولان تا زوال ترکمانان، تهران، کانون اندیشه جوان.
- ۲۲- جعفریان، رسول (۱۳۸۵)، تاریخ تشیع در ایران تا طلوع دولت صفوی، قم، انصاریان.
- ۲۳- جعفریان، رسول (۱۳۸۸)، از طاهریان تا غروب خوارزمشاهیان، تهران، کانون اندیشه جوان.
- ۲۴- جعفریان، رسول (۱۳۸۵)، از یورش مغولان تا زوال ترکمانان، تهران، کانون اندیشه جوان.
- ۲۵- جنید شیرازی، جنید بن محمود (۱۳۶۴)، شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار، ترجمه عیسی بن جنید، به تصحیح دکتر وصال نورانی، شیراز، کتابخانه احمدی.
- ۲۶- خواندمیر، غیاث الدین بن همادالدین (۱۳۷۲)، مآثر الملوک، تصحیح هاشم محدث، تهران، رسا.
- ۲۷- خوب نظر، حسن (۱۳۸۰)، تاریخ شیراز، به کوشش جعفر مؤید شیرازی، تهران، سخن.
- ۲۸- راعب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن المفضل، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشی، قم، مطبوعاتی اسماعیلیان، [بی تا].
- ۲۹- زرکوب شیرازی، ابوالعباس معین الدین احمد بن شهاب الدین ابی الخیر (۱۳۹۰)، شیرازنامه، به تصحیح اکبر نحوی، شیراز، مؤسسه فرهنگی دانشنامه فارس، چاپ اول.
- ۳۰- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۷)، ارزش میراث صوفیه، تهران، امیرکبیر.
- ۳۱- سعدی، مصلح الدین (۱۳۸۵ش)، به تصحیح محمد



- علی فروغی، تهران، انتشارات هرمس.
- ۳۲- سمنانی، شیخ علاءالدوله (۱۳۹۴)، تذکره المشایخ، به تصحیح کاظم محمدی، کرج، نجم کبری.
- ۳۳- شرف الدین ابراهیم، روزبهان ثانی (۱۳۸۲)، تحفه اهل عرفان، تهران، یلدا قلم.
- ۳۴- صدوقی سها، منوچهر (۱۳۸۵)، نسبت سلسله‌های صوفیه با ائمه آل‌البیت ع، قم، مؤسسه کیهان.
- ۳۵- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد (۱۳۷۴)، تذکره الاولیاء، با مقدمه مرحوم قزوینی، تهران، دنیای کتاب.
- ۳۶- فرصت شیرازی، محمد نصیر بن جعفر (۱۳۶۲)، آثار عجم، تهران، امیرکبیر.
- ۳۷- فسائی، حسن (۱۳۸۸ش)، فارسنامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسائی، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم.
- ۳۸- معتقدی، کیانوش (۱۳۸۷)، کتاب و کتاب‌آرایی در مکتب شیراز، آیین خيال.
- ۳۹- ندیم، مصطفی (۱۳۸۲)، تاریخ ادیان و مذاهب در فارس از ظهور اسلام تا پایان عصر سلجوقیان، شیراز، بنیاد فارس‌شناسی، چاپ اول.
- ۴۰- هدایت، رضا قلی (۱۳۸۵)، تذکره ریاض‌العارفین، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۴۱- یحیایی، حسین علی (۱۳۸۲)، شیعه در ایران، تهران، دودبیر.